

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خلاصه مباحث اساسی کارشناسی ارشد

علوم تربیتی ۱

(جلد دوم)

تهیه کنندگان

دکتر جواد خلعتبری

دکتر رکسانا نصیری

فهرست مطالب

تقویت متناوب	۹۸
سوالهای تکمیلی فصل اول	۱۰۸
پاسخنامه سوالهای تکمیلی فصل اول ...	۱۰۸
فصل دوم: نظریه‌های تدریس	
مهارتهای آموزشی پیش از تدریس (طراحی آموزشی)	۱۱۳
سوالهای تکمیلی فصل دوم	۱۲۴
پاسخنامه سوالهای تکمیلی فصل دوم ...	۱۲۵
فصل سوم: تحلیل آموزشی	
هدفهای کلی آموزشی	۱۲۶
مراحل تحلیل آموزشی	۱۲۸
تحلیل مفهوم «وسيله آموزشی»	۱۳۲
تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی	۱۳۳
معرفی چند الگوی طراحی و کاربرد آن در آموزش	۱۳۴
فعالیت‌های آموزشی ضمن تدریس	۱۳۶
الگوهای تدریس	۱۳۶
الگوی ماشینی نگری و الگوی سازمانی نگری	۱۳۷
الگوی عمومی تدریس	۱۳۸
الگوی پیش سازماندهنده	۱۳۹
اساس نظری الگوی پیش سازماندهنده	۱۳۹
روشهای جدید تدریس	۱۴۶
خانواده الگوهای اجتماعی	۱۵۸
گروه الگوهای خیرپردازی (اطلاعات پردازی) ۱۷۳	۱۷۳
کاووشگری علمی و ورزیدگی آموزی	
درکاووشگری	۱۷۸
آموزش کاوشگری	۱۸۰
یادسپاری	۱۸۲
مفاهیم درباره حافظه	۱۸۳
بدیعه پردازی (سینکتیکز)	۱۸۷
یادگیری از طریق عرضه مطالب	۱۹۱
نظریه رشد	۱۹۴

بخش اول: روان‌شناسی تربیتی

روان‌شناسی تربیتی	۷
در علم دو نوع مشاهده وجود دارد	۷
پژوهش عمل‌نگر	۹
اهداف پژوهش عمل‌نگر:	۹
روان‌شناسی ژنتیک پیازه	۲۲
مراحل رشد شناختی پیازه	۲۳
شش مرحله حسی - حرکتی	۲۳
نظریه فرهنگی - اجتماعی ویگوتسکی	۲۶
نظریه شرطی وسیله‌ای	۲۹
نظریه شرطی عامل	۳۰
نظریه‌های شناختی یادگیری	۳۱
نظریه یادگیری معنی‌دار "آزوبل"	۳۲
نظریه یادگیری شناختی اجتماعی (مشاهده‌ای) ۳۴	۳۴
نظریه خیرپردازی	۳۵
تفاوت‌های نظریات واقع‌گرایی و نسبی‌گرایی ..	۳۸
نظریه اسنادی واینر	۴۲
پیشایندهای استنباط علی	۴۳
بحث گروهی	۴۵
یادگیری اکتشافی	۴۶
یادگیری در حد تسلط	۴۷
رفتار درمانی	۴۹
راهبردهای شناختی و فراشناختی	۵۵
راهبردهای شناختی	۵۶
راهبردهای فراشناختی	۵۷
شیوه‌های مطالعه	۵۸
آموزش مفاهیم	۶۰
سوالهای تکمیلی روان‌شناسی تربیتی	۷۷
پاسخنامه سوالهای تکمیلی روان‌شناسی تربیتی	۸۴
بخش دوم: روشها و فنون تدریس	
فصل اول: یادگیری و نظریه‌های آن	
تعریف یادگیری	۸۵

بخش چهارم: اصول و فلسفه تعلیم و

تربیت

فصل اول: مفهوم فلسفه

- موضوعهای مورد بحث در فلسفه ۲۵۲
وجوه فلسفه ۲۵۳
مسائل مورد بحث فلسفه ۲۵۴
فلسفه آموزش و پرورش ۲۵۵
نظر دیوئی دربارهٔ پاره‌ای از تعاریف تعلیم و
تربیت ۲۶۳
سوالهای تکمیلی فصل اول ۲۶۹
پاسخنامه سوالهای تکمیلی فصل اول ... ۲۷۱

فصل دوم: مسائل اساسی فلسفه تعلیم و

تربیت

- طبقه‌بندی فیلسوفان آموزش و پرورش ۲۷۷
مکاتب فلسفی ۲۷۷
جهان‌شناسی در مکتب پراگماتیسم ۲۸۲
اگزیستانسیالیزم (وجودگرایان) و تعلیم و
تربیت ۲۸۴
فلسفه تحلیلی و تعلیم و تربیت ۲۸۶
طبیعت‌گرایی (Naturalism) ۲۸۷
سوالهای تکمیلی فصل دوم ۲۹۵
پاسخنامه سوالهای تکمیلی فصل دوم ... ۲۹۹
فصل سوم: نمونه‌هایی از نظریه‌های فلسفی
سوالهای تکمیلی فصل سوم ۳۰۸
پاسخنامه سوالهای تکمیلی فصل سوم ... ۳۱۴
فصل چهارم: اصول آموزش و پرورش
اصول هفتگانه آموزش و پرورش ۳۱۵

بخش پنجم: تعلیم و تربیت اسلامی

فصل اول: تعلیم و تربیت اسلامی

فصل دوم: مبانی، اصول و روشهای تربیتی

- مبنای اول: تأثیر ظاهر بر باطن ۳۲۹
مبنای دوم: تأثیر باطن بر ظاهر ۳۳۰
مبنای سوم: ظهور تدریجی شاکله ۳۳۱

- خانواده فردی ۱۹۷
خانواده انفرادی (فرد کانون توجه) ۱۹۷
سوالهای تکمیلی فصل سوم ۲۰۳
پاسخنامه سوالهای تکمیلی فصل سوم ۲۱۰
فصل چهارم: مفاهیم کلی ارزشیابی
مهارتهای آموزشی بعد از تدریس ۲۱۱
انواع ارزشیابی ۲۱۳
روشهای مختلف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی ۲۱۵
سوالهای تکمیلی فصل چهارم ۲۱۸
پاسخنامه سوالهای تکمیلی فصل چهارم . ۲۱۹

بخش سوم: سنجش و اندازه‌گیری در

تعلیم

- سنجش و اندازه‌گیری در تعلیم و تربیت ۲۲۰
تاریخچه ۲۲۰
انواع آزمون پیشرفت تحصیلی ۲۲۴
امتحانات تشریحی ۲۲۵
آزمونهای کوتاه پاسخ ۲۲۶
آزمونهای صحیح و غلط ۲۲۷
آزمونهای جورکردنی ۲۲۸
آزمونهای چندگزینه‌ای ۲۲۹
تصحیح و نمره‌گذاری اوراق امتحانی ۲۳۱
تجزیه و تحلیل سؤالات آزمون ۲۳۲
شاخصهای آماری آزمون ۲۳۴
تحلیل گزینه‌های سؤال در آزمون ۲۳۵
تحلیل سؤال در آزمونهای انشایی ۲۳۷
تحلیل سؤال وابسته به ملاک ۲۳۸
اعتبار (پایایی) Reliability ۲۳۸
روایی Validity ۲۴۱
نرم (هنجار) ۲۴۳
سوالهای تکمیلی سنجش و اندازه‌گیری در تعلیم
و تربیت ۲۴۵
پاسخنامه سوالهای تکمیلی سنجش و
اندازه‌گیری در تعلیم و تربیت ۲۵۱

۳۳۹ ... مبنای یازدهم: آشنایی و بیگانگی با خدا

۳۴۰ مبنای دوازدهم: ضعف

۳۴۱ ... مبنای سیزدهم: دل بستگی، آزمندی و شتاب

فصل سوم: مراحل تعلیم و تربیت اسلامی

۳۵۰ سوالهای تکمیلی فصل سوم

۳۵۱ ... پاسخنامه سوالهای تکمیلی فصل سوم

۳۵۲ منابع و مأخذ

۳۳۱ مبنای چهارم: تأثیر شرایط بر انسان

مبنای پنجم: مقاومت و تاثیرگذاری بر

۳۳۲ شرایط

۳۳۳ مبنای ششم: جذبۀ حسن و احسان

۳۳۵ مبنای هشتم: تطور و سع آدمی

۳۳۶ مبنای نهم: کرامت

۳۳۷ مبنای دهم: اندیشه‌ورزی

بخش اول: روان‌شناسی تربیتی

روان‌شناسی تربیتی

در علم دو نوع مشاهده وجود دارد

۱- مشاهده کنترل شده: که پژوهش آزمایشی هم نامیده می‌شود، یعنی ابتدا محقق یا دانشمند در موقعیت تغییرات ایجاد می‌کند و سپس نتایج را مشاهده می‌کنیم.

۲- مشاهده طبیعی: که دقت در امور هستی بدون دخل و تصرف است.

برای مثال؛ روان‌شناسی جزء علوم تجربی است، ولی به آن علم آزمایشی گفته نمی‌شود زیرا از مشاهده طبیعی بیشتر استفاده می‌کند. در اصل، ملاک‌های داوری هر علم، در مورد حقیقت است که آنها را از هم جدا می‌کند. مثلاً ملاک داوری علوم تجربی قابلیت مشاهده و تجربه پذیری آن است. ملاک داوری فلسفه استفاده از برهان و استدلال است. ملاک داوری در مورد دین وجود متون مقدس است. ملاک داوری در هنر احساس شخصی است. روان‌شناسی علمی است که وابسته به مشاهدت تجربی است. روان‌شناسی علم مطالعه رفتار و فرآیندهای شناختی و ذهنی و زیربنای رفتار است.

پرورش (Education)

فرآیندی منظم و مستمر است که اصل آن رشد جسمانی و روانی است، یعنی فرآیندی است که هدف آن رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابنده است، رشدی که بتواند علوم بشری هنجاری را کسب کند و استعداد بالقوه فرد شکوفا شود. هدف مدارس، دانشگاه و... پرورش است. یعنی دو هدف دارند: ۱- رشد استعداد بالقوه ۲- ساختن افرادی آگاه از مسایل اجتماعی و متعهد به هنجارها.

کارآموزی (Training) (تربیت)

گسترش دادن نگرش دانش و مهارت که در آن فرد بتواند یک الگوی رفتاری مناسب را برای انجام یک تکلیف خاص داشته باشد. وظیفه اصلی کارآموزی تأمین نیروی انسانی متخصص در جزف برای سازمانهای مختلف اجتماعی است.

فرق پرورش با کارآموزی

- ۱- حوزه فعالیت پرورش کلی است، ولی کارآموزی محدود است.
- ۲- هدفهای پرورش کلی است، ولی کارآموزی محدود است.
- ۳- دوره پرورشی کلی است، ولی کارآموزی کوتاه است.
- ۴- پرورش را نهادهای رسمی و دولتی ولی کارآموزی را مؤسسات خاص اداره می‌کنند.
- ۵- در دوره پرورش فرد قدرت انتخاب بیشتری در عمل دارد، ولی در کارآموزی فرد روی کاری خاص متمرکز می‌گردد.

آموزش (Instraction)

فراهم آوردن فرصت یادگیری است یعنی آموزش وسیله‌ای در خدمت پرورش و کارآموزی است. آموزش یعنی فرآیند تسهیل کردن یادگیری که در آن کنش متقابل وجود دارد. یادگیری یک فرآیند درونی و آموزش یک فرآیند بیرونی است.

تعریف یادگیری: یادگیری تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری است که در اثر تجربه کسب می‌شود و ناشی از حالت‌های موقتی بدن مثل خستگی و... نیست.

یادگیری با تغییر همراه است حتی اگر بسیار جزئی باشد. یادگیری با تغییر همراه است ولی هر نوع تغییری یادگیری نیست. یادگیری همراه با تغییر نسبتاً پایدار است، پس تغییرات ناشی از عوامل انگیزشی، هیجانی، خستگی، انطباق حسی یادگیری نیست.

یادگیری تغییر در توان رفتاری است که ممکن است قابل مشاهده نباشد؛ یعنی تغییر در توانایی است نه رفتار ظاهری. رفتار نهانی رفتاری است که بطور مستقیم قابل مشاهده نیست. مثل تفکر، تخیل و..

عملکرد نتیجه رفتار آشکار است، ولی رفتار هر گونه عمل فرد است. عملکرد محصول یادگیری است و استنباط ما از عملکرد است که می‌فهمیم که یادگیری صورت گرفته است. یادگیری دانستن چگونه انجام دادن کاری است، ولی عملکرد انجام دادن آن کار است. عوامل انگیزشی، هیجانی، محیطی، بیماری و خستگی بر عملکرد اثر دارند نه یادگیری. یادگیری در اثر تجربه است نه عوامل دیگری چون خستگی و...

یادگیری ممکن است عمدی یا اتفاقی باشد. تفکر هم محصول یادگیری است و هم جزء تجاربی است که به یادگیری می‌انجامد؛ یعنی هم محصول یادگیری است و هم باعث یادگیری می‌شود. یادگیری همیشه معطوف به یادگیرنده است. آموزش یک فرآیند کنش متقابل بین یادگیرنده و یاددهنده است. یادگیری و آموزش به هم وابسته‌اند ولی دو فرآیند نامرتب هستند. آموزش وسیله رسیدن به هدف است. یادگیری هدف است و آموزش وسیله آن. مهمترین فعالیت پرورش، آموزش و یادگیری است.

روان‌شناسی پرورشی، شاخه‌ای از روان‌شناسی است که در آن روی فرآیند یادگیری، آموزش، ویژگی یادگیرنده و... تأکید و بررسی دارد.

تعریف لول: روان‌شناسی پرورشی علمی است که در آن مفاهیم و اصول روان‌شناسی در فعالیت‌های آموزشی بکار گرفته می‌شود که این تعریف مساوی روان‌شناسی آموزشی است.

تعریف دوم: روان‌شناسی پرورشی دربرگیرنده استفاده بهینه از روشهای روان‌شناسی برای مطالعه، فعالیت و کلاس و آموزشگاه است.

تعریف سوم: روان‌شناسی پرورشی را یک نظام مستقل می‌داند که دارای روشها، مسائل و فنون و نظریه‌های مخصوص به خود است.

روان‌شناسی پرورشی به‌عنوان یک نظام مستقل دارای دو هدف است: ۱- درک و فهم فرآیند یادگیری و آموزش. ۲- تهیه و گسترش راههای بهبود بخشیدن به فرآیند یادگیری و آموزش است. سه عامل اصلی موضوع روان‌شناسی پرورشی، معلم و یادگیرنده و ارتباط متقابل آن دو است.

تعریف کاهن: روان‌شناسی پرورشی علمی مستقل است (شاخه‌ای مستقل از روان‌شناسی) که در آن روشها و نظریه‌های مختص به خود را دارد و موضوع آن یادگیری آموزشگاهی و آموزش است.

اولین اثر روان‌شناسی تربیتی در ایران در سال ۱۳۱۱ توسط خانم "بدرالملوک بامداد" در دانشسرای مقدماتی با نام روان‌شناسی پرورشی تدوین شد و سپس ۱۳۱۶ "دکتر محمد معین" و پایه‌گذار اصلی "دکتر علی‌اکبر سیاسی" در سال ۱۳۱۷ است که کتاب روان‌شناسی از لحاظ تعلیم و تربیت (علم النفس) را چاپ نمود. (۱۳۱۷)

پژوهش بنیادی Basic

هدف اصلی آن کشف مجهولات و روابط بین امور و افزایش حیطه دانش است، یعنی بدنبال یافته‌های اساسی و زیربنایی است. عامل اصلی در پژوهش بنیادی، انگیزه و علاقه محقق است. پژوهشهای پایه، اسکینر و دیگران پژوهش بنیادی است.

پژوهش کاربردی Applied

در پی فراهم آوردن نتایج عملی و قابل استفاده است؛ یعنی بدنبال پیدا کردن راه حل برای مشکلات.

پژوهش بنیادی بدنبال روابط کلی و انتزاعی است، ولی پژوهش کاربردی بدنبال استفاده عملی از اصول بدست آمده است. در پژوهش کاربردی ما در پی ایجاد گسترش دانش در زمینه خاص هستیم. پژوهش کاربردی در موقعیت طبیعی انجام می‌شود، ولی پژوهش بنیادی هم در آزمایشگاه و هم در موقعیت طبیعی اجرا می‌شود. یافته‌های پژوهش بنیادی می‌تواند کاربردی هم باشد. امروزه تأکید بر پژوهش‌های کاربردی است که در آن نتایج فوری بدست می‌آید. هدف اصلی پژوهش کاربردی کمک به تصمیم‌گیری است. هم اکنون پژوهش تولیدی هم وجود دارد که تأکید آن روی بازدهی بدست آمده است.

پیوستار پژوهش هیلگارد و باور

در این پیوستار سه نوع پژوهش بنیادی و چهار نوع پژوهش کاربردی و تولیدی وجود دارد:

پژوهش بنیادی:

۱- آزمایشات جانوری

۲- پژوهشهای مربوط به یادگیری کلامی و مفهوم‌سازی

۳- پژوهشهای مربوط به ریاضی و خواندن

۴- پژوهشهای کاربردی و تولیدی:

۱- آزمایشات جانوری

۲- پژوهشهای مربوط به یادگیری کلامی و مفهوم‌سازی

۳- پژوهشهای مربوط به ریاضی و خواندن

۴- پژوهشهای کاربردی و تولیدی:

۵- اجرای آموزش برنامه‌ای در کلاس

۶- تهیه دستورالعمل برای تربیت معلمان

۷- بررسی نتایج و پیامد تربیت معلم

پژوهش نوع ۳ را نمی‌توان بطور مستقیم در کلاس بکار گرفت. پژوهش نوع ۴ برای کاربرد آموزش توچهی نمی‌شود. در پژوهش نوع ۵ پژوهش‌های تازه بکار می‌رود. در پژوهش نوع اول به کاربرد آموزشی توجهی نمی‌شود. در پژوهش نوع ۲ آزمودنی انسان است، ولی باز روی اصول نظری کار می‌شود. مثل بررسی یادگیری، حافظه. در پژوهش نوع ۳ آزمودنی‌ها در آزمایشگاه هستند، ولی باز هدف بررسی اهداف کلی است. مثل یادگیری لغات خارجی. پژوهش نوع ۴ برای کلاس درس است که کاربردی است. در پژوهش نوع ۵ اثر پژوهش نوع ۴ بررسی می‌شود. در پژوهش نوع ۶ براساس یافته‌های پژوهش ۴ و ۵ وسایل جدید ابداع می‌شود. پژوهش نوع ۷ بررسی و ارزشیابی موارد قبلی است.

پژوهش عمل‌نگر

پژوهش عمل‌نگر همان اقدام پژوهشی است. پژوهش عمل‌نگر را اقدام پژوهشی، پژوهش مشارکتی، پژوهش عملیاتی، پژوهش عمل‌نگر مشارکتی هم می‌نامند. پژوهش عمل‌نگر هم در آموزش و پرورش و هم در روان‌شناسی اجتماعی کاربرد دارد. پژوهش عمل‌نگر پژوهشی است که در آن مداخله‌ای کوچک در کارکردهای جهان واقعی اعمال می‌شود و سپس آثار این مداخله مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش عمل‌نگر بیشتر، به بررسی مسائل فعلی و کنونی و همین حالا و به بررسی موقعیتهای خاص می‌پردازد. علت اصلی پیشرفت پژوهش عمل‌نگر جنبش ترقی‌خواهانه است.

اهداف پژوهش عمل‌نگر:

- ۱- رفع مشکلات در موقعیت خاص
- ۲- بهبود بخشیدن موقعیت معین
- ۳- آموزش ضمن خدمت جهت مجهز ساختن معلمان و آشنایی آنها با روشهای جدید آموزش و پژوهش.
- ۴- افزایش آگاهی معلمان در جهت تحلیل‌گری و افزایش خودآگاهی آنان.
- ۵- افزایش رویکرد آموزشی و ابداع روش جدید.
- ۶- بهبود در رابطه معلم و پژوهشگر.
- ۷- فراهم آوردن روش حل مسئله عینی در کلاس.

معلم عمل‌نگر یعنی معلمی که هم آموزش می‌دهد و هم تحقیق می‌کند. معلمانی که احساس می‌کنند روش آموزشی آنها نیاز به اصلاح و بهبود دارد، از روش عمل‌نگر استفاده می‌کنند. گروهی از معلمان با هم به کار پژوهش مشغول می‌شوند. در جهت پیشبرد علم کار پژوهش عمل‌نگر محدود است زیرا هدف آن صرفاً حل مشکلات خاص یک کلاس ویژه است. اقدام پژوهشی در عمل کاربرد ملموس‌تری دارد.

هدفهای روان‌شناسی پرورشی تبیین (رابطه منطقی)، پیش‌بینی (رابطه زمانی) و کنترل (رابطه علی یا تابعی) است. تبیین: در روان‌شناسی پرورشی سعی می‌شود که روابط بین متغیرها را بصورت منطقی و معقول توضیح داده شود. پیش‌بینی: در روان‌شناسی پرورشی سعی می‌شود که مقدار (ارزش) یک متغیر از روی مقدار (ارزش متغیر دیگر) پیش‌بینی شود.

کنترل: در روان‌شناسی پرورشی سعی می‌شود، با دستکاری یک متغیر اثر آن را روی متغیر دیگر بررسی شود، روان‌شناسی پرورشی در جواب سؤال چرا برخی دانش‌آموزان موفق‌ترند؟ در پی پیدا کردن رابطه منطقی است. در مثال بالا اثر زمانی قابل بررسی در دو زمان مختلف یعنی زمان مطالعه در اول سال و نتیجه در پایان است. رابطه علی را هم می‌توان در مثال بالا بررسی کرد؛ یعنی ما میزان زمان فعالیت را تغییر می‌دهیم و اثر آن را مشاهده می‌کنیم. بهترین پژوهش آن است که هر سه نوع رابطه علی، زمانی و منطقی را مورد بررسی قرار دهد. در روان‌شناسی پرورشی سه نوع تحقیق همبستگی، آزمایشی و کیفی به کار می‌رود.

پژوهش همبستگی: به بررسی رابطه زمانی (پیش‌بینی) می‌پردازد. در پژوهشهای همبستگی متغیر مستقل و وابسته نداریم بلکه متغیر پیش‌بین و ملاک داریم. متغیر پیش‌بین متغیری است که از روی آن متغیر ملاک (پیش‌بینی) می‌شود و متغیر ملاک متغیری است که مورد پیش‌بینی قرار می‌گیرد.

پژوهش آزمایشی: معتبرترین نوع پژوهش در زمینه‌های آموزش و یادگیری پژوهش آزمایشی است. در پژوهش آزمایشی روابط علی (تابعی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. یک نوع پژوهش آزمایشی پژوهش تک‌آزمودنی است که روی یک فرد اجرا می‌شود. در پژوهش تک‌آزمودنی گروه آزمایش و کنترل یک نفر است. تعمیم‌پذیری پژوهش تک‌آزمودنی کم است، ولی با تکرار آن روی افراد دیگر قابل تعمیم است. در پژوهش تک‌آزمودنی تعیین شاخص آماری و آزمون فرضیه ضرورت ندارد.

معروفترین نوع پژوهش تک‌آزمودنی طرح بازگشتی است: ABAB

A: خط پایه و بدون دخالت محقق
B: مرحله دخالت محقق و اثر متغیر مستقل

A: برگشت به خط پایه
B: بکارگیری مجدد متغیر مستقل.

در پژوهش تک‌آزمودنی مرحله پیگیری هم وجود دارد که هدف آن بررسی وضع رفتار تغییر یافته در شرایط طبیعی است. پژوهشهای همبستگی و آزمایشی از نوع کمی هستند. پژوهش‌های توصیفی از نوع کیفی هستند زیرا به همان صورتی که هستند بررسی می‌شوند.

پژوهش کیفی: پژوهش تفسیری یک نوع پژوهش کیفی است که پژوهشگر در دنیای افراد مورد پژوهش غرق می‌شود تا به کُنه اصلی دست یابد. پژوهشهای کیفی بیشتر در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی کاربرد دارد. پژوهشهای میدانی، مورد پژوهشی، قوم‌نگاری و زمینه‌یابی انواع پژوهش کیفی هستند. مورد پژوهی: بررسی همه جانبه یک فرد مشخص است.

بررسی میدانی: بررسی‌هایی که در موقعیت طبیعی و شرایط واقعی صورت می‌گیرد. قوم‌نگاری: نوعی پژوهش مردم‌شناسی است که یک فرهنگ، قوم یا قبیله را مورد بررسی عمیق قرار می‌دهد. زمینه‌یابی: بررسی عقاید و نگرش‌ها در مورد موضوعات مختلف است و یا ویژگیهای پدیده‌ها را با مصاحبه یا پرسشنامه جمع‌آوری می‌کنیم.

روشهای کمی پژوهش (همبستگی و آزمایشی) به رویکرد اثبات‌گرایی وابسته‌اند. پژوهش‌های کیفی به رویکرد پس‌اثبات‌گرایی فلسفه وابسته‌اند. رویکرد اثبات‌گرایی واقعیات اجتماعات را نسبتاً ثابت و رویکرد پس‌اثبات‌گرایی واقعیات را نسبی می‌دانند. بیشتر پژوهشهای روان‌شناسی تربیتی، پژوهش اثبات‌گرایی است. در اثبات‌گرایی فرض می‌شود که محیط‌های طبیعی و اجتماعی مستقل از محقق وجود دارد که باید بدون سوگیری مطالعه و مورد مشاهده قرار گیرد.

نظریه سازندگی که از رویکرد پس اثبات‌گرایی نشأت می‌گیرد معتقد است که محیط‌های طبیعی مستقل از محقق وجود ندارد بلکه خود محقق است که واقعیات اجتماعی را می‌سازد. در رویکرد پس اثبات‌گرایی معنای جهان برای هر کس متفاوت از دیگری است، پس بایستی چندگانه به مسائل توجه کرد در نتیجه داده‌ها کمی پذیر نیستند.

تفاوت‌های پژوهش کمی و کیفی

- ۱- پژوهش کمی و کیفی مکمل هم هستند و باید هر دو را در روان‌شناسی پژوهشی بکار گرفت.
- ۲- پژوهش کمی روابط علی موجود را مکانیکی می‌داند. پژوهش کیفی مقاصد و برداشت‌ها را عامل علیت می‌داند.
- ۳- در پژوهش کمی محقق جدای از آزمودنی است و پژوهش کیفی محقق در متن پژوهش قرار دارد.
- ۴- نمونه‌های بزرگ در پژوهش کمی بکار می‌رود اما در پژوهش کیفی موردها مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ۵- در پژوهش کمی رفتارها و موارد مورد مشاهده مطالعه می‌شوند. در پژوهش کیفی پدیده‌های درونی و معانی ساخته شده توسط آزمودنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ۶- پژوهش کمی در موقعیت طبیعی و کنترل شده بکار می‌رود اما پژوهش کیفی فقط در موقعیت طبیعی بکار می‌رود.
- ۷- در پژوهش کمی واقعیات کلی تجزیه می‌شوند. در پژوهش کیفی موقعیت کلی، مورد مشاهده کلی قرار می‌گیرد.
- ۸- در پژوهش کمی زمان جمع‌آوری اطلاعات بعد از نظریه است. در پژوهش کیفی اطلاعاتی را جمع‌آوری شده سپس نظریه داده می‌شود.
- ۹- در پژوهش کمی از داده‌های عددی برای معرفی استفاده می‌شود ولی در پژوهش کیفی از داده‌های کلامی و تصویری استفاده می‌شود.
- ۱۰- در پژوهش کمی از روشهای آماری برای تحلیل استفاده می‌شود ولی در پژوهش کیفی از منطق استقرایی برای تحلیل استفاده می‌شود.
- ۱۱- در پژوهش کمی از آمار استنباطی برای تعمیم داده‌ها استفاده می‌شود ولی در پژوهش کیفی پژوهشهای موردی مشابه را پیدا کرده و سپس تعمیم داده می‌شود.
- ۱۲- در پژوهش کمی یافته‌ها ما بصورت عینی گزارش می‌شود. در پژوهش کیفی یافته‌ها تفسیری است و بانظر شخصی پژوهشگر همراه است.

مراحل پژوهش

- | | | |
|------------------|----------|---------------------|
| ۱- سوال | ۲- فرضیه | ۳- جمع‌آوری داده‌ها |
| ۴- تحلیل داده‌ها | ۵- قانون | ۶- نظریه |

روش پژوهش: نقشه‌ای برای نحوه جمع‌آوری داده‌ها است. اگر اثبات یک نتیجه جزئی باشد یک واقعیت بدست می‌آید و اگر اثبات نتیجه کلی باشد قانون بدست می‌آید.

قانون علمی: یک بیان علمی است که رابطه بین دو یا چند متغیر را که تأکید شده را ذکر می‌کند. از مجموعه قوانین نظریه بدست می‌آید.

قوانین علمی دو هدف عمده دارند:

- ۱- پیش‌بینی و کنترل
 - ۲- درک و فهم پدیده‌ها
- هدف اول یعنی کنترل و پیش‌بینی که جنبه علمی دارند. هدف اصلی و اساسی علم دستیابی به نظریه است.

نقش نظریه‌های یادگیری

- ۱- تحلیل یادگیری (توصیف و معرفی ابزار)
 - ۲- خلاصه کردن قوانین یادگیری
 - ۳- توضیح چگونگی و چراهای یادگیری (تبیین)
- یک نظریه علمی نه درست است و نه غلط، ممکن است نیرومند یا ضعیف باشد.

ملاکهای تشخیص ضعیف یا قوی بودن نظریه

۱- دقت در توضیح و تبیین روابط بین متغیرها ۲- مقدار پیش‌بینی درست

۳- کمک به کنترل متغیرهای مربوط

نظریه‌ای خوب است که هم بتواند خوب متغیرها را توصیف کند و هم بتواند پژوهش تولید کند. نظریه‌ها منابع مهمی برای ایجاد فرضیات پژوهشی هستند. یک نظریه خوب باید اکتشافی باشد (پژوهش تولید کند). نظریه در اصل یک وسیله است و نمی‌تواند درست یا نادرست باشد. انتخاب نظریه بر اساس اصل ایجاز است، یعنی انتخاب ساده‌ترین. درون نظریه مطالب انتزاعی قرار دارد. باید جنبه صوری نظریه با جنبه تجربی همخوانی داشته باشد. نظریه با مشاهدات تجربی آغاز می‌شود.

مراحل فعالیت‌های آموزشی:

۱- فعالیت‌های پیش از عمل ۲- فعالیت‌های پیش و ضمن عمل

۳- فعالیت‌های پیش و ضمن عمل و آموزش ۴- عمل آموزش ۵- پس از عمل آموزش

گام اول: در الگوی عمومی آموزش، تعیین و مشخص کردن هدفهای آموزشی که در گام اول کاربرد دارد.

گام دوم: (پس از تعیین هدف آموزشی) بررسی رفتارهای ورودی است؛ یعنی یک سنجش آغازین نیاز داریم تا بدانیم چقدر توانایی دارند و آیا بر پیش‌نیازها تسلط دارند یا خیر؟

گام سوم: معلم پس از تعیین هدفهای آموزشی و میزان تسلط بر پیش‌نیازها توسط دانش‌آموز باید با مطالعه نظریه‌های یادگیری و عوامل انگیزشی که گام سوم است، برای بهبود آموزش خود را قوی سازد.

گام چهارم: بکارگیری روشهای مناسب آموزشی برای رسیدن به حالت بهینه است؛ یعنی روشهای سخنرانی، اکتشافی، بحث گروهی، برنامه‌ای و ...

گام پنجم: ارزشیابی است. یعنی ساخت وسایلی که بتوان دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داد.

گام اول	گام دوم	گام سوم	گام چهارم	گام پنجم
هدفهای آموزش	سنجش ورودی	مطالعه نظریه یادگیری و انگیزشی	آموزش و انواع آن	ارزشیابی و امتحان

اولین گام در تدوین هدفهای آموزشی این است که معلم تصمیم بگیرد چه آموزش دهد و سپس آن را چگونه آموزش دهد. معلم پس از تعیین اهداف آموزشی و بررسی توانایی و وسایل دستیابی به آن، غایت (اهداف نهایی) آموزش را بیان می‌کند. برای هدف‌گزینی (غایت پرورشی) و نوشتن آن ۷ مرحله داریم.

الگوی ۷ مرحله‌ای تایید برای غایت پرورشی: هفت مرحله نوشتن اهداف آموزشی از دو بخش منابع و ملاک تشکیل شده است.

منابع: ۱- دانش‌آموز ۲- جامعه ۳- موضوع درسی

ملاک: ۱- فلسفه پرورشی ۲- روان‌شناسی پرورشی

در پایان هر مرحله غایت نوشته می‌شود. در پایان منابع، غایت‌های پرورشی موقتی نوشته می‌شود و در پایان مرحله ملاکها غایت‌های پرورشی کلی پذیرفته شده ارائه می‌شود.

۱- دانش‌آموز ۲- جامعه ۳- موضوع درسی ← غایت پرورشی موقت

۱- فلسفه پرورشی ۲- روان‌شناسی پرورشی ← هدف کلی پذیرفته شده

غایت پرورش کلی موقت = موضوع درسی + جامعه + دانش‌آموز

غایت کلی مورد پذیرش = روان‌شناسی پرورشی + فلسفه پرورش + غایت پرورشی موقت + موضوع درسی + جامعه + دانش‌آموز

پس غایت‌های پرورشی از سه منبع بدست می‌آید:

۱- نیاز جامعه ۲- نیاز دانش‌آموز ۳- نظر متخصصان آموزشی

دانش‌آموز زمانی بهتر می‌آموزد که خودش در تعیین غایت پرورشی نقش فعال داشته باشد. چون اهداف موقت فراوان هستند. با عبور از صافی فلسفه پرورش و روان‌شناسی پرورشی نقاط مشترک و اهداف قطعی انتخاب می‌شوند. در طرح تأیید پس از عبور از مرحله هفتم یعنی تعیین اهداف و غایت آموزشی قطعی کلی، باید اهداف آموزشی بصورت دقیق نوشته شود. پس آخرین مرحله نوشتن اهداف دقیق آموزشی است. چون قصد و منظور نهادهای پرورشی جامعه رسیدن به هدفهای آموزشی کلی است، از اصطلاح غایت پرورشی استفاده می‌شود. "دی چکو" غایت پرورشی را مساوی هدفهای آموزشی می‌داند. همانطوری که بیان شد غایت‌های پرورش را کسانی به جز معلم می‌نویسند (چون هدف نهاد رسمی است). هدفهای آموزشی را معلم می‌نویسد.

غایت پرورشی

قصد و منظور نهاد پرورشی جامعه بصورت کمی است. هدف آموزشی قصد و منظور معلم از آموزش مطالب درسی است. هدف آموزشی محتوای درس را توضیح نمی‌دهد بلکه مشخص می‌کند که پس از اتمام دوره آموزش چه نوع عملکردی را از دانش‌آموز انتظار داریم.

پیوستار اهداف آموزشی در امریکا (مگون وگرسبیون)

بالاترین ← پایین‌ترین
اهداف ملی ← اهداف منطقه‌ای ← اهداف ایالتی ← مدارس محلی ← هدفهای موضوعی ← واحد ← درس روزانه
تحلیل غایبه (تحلیل اهداف کلی): تبدیل غایت کلی پرورشی به هدفهای دقیق آموزشی است.
"رابرت میگر" روی تحلیل غایت کار نموده است. در تحلیل غایت اهداف کلی و انتزاعی و غیرملموس به اهداف جزئی و عینی و ملموس تبدیل می‌شود.

تحلیل غایبه دیگر

- ۱- نوشتن غایت کلی: براساس نتایج فعالیت نوشته می‌شود.
 - ۲- نوشتن چیزهایی که فکر می‌کنیم فرد به هدف رسیده انجام می‌دهد و یا می‌تواند آنها را بیان کند که ما بپذیریم.
 - ۳- دسته‌بندی عملکردها، یعنی حذف موارد تکراری و انتزاعی
 - ۴- برگزیدن موارد دسته‌بندی شده و بیان هدف دقیق رفتاری
- اهداف آموزشی یکسری بیانات یا جملاتی هستند که درباره نوع عملکرد دانش‌آموز انتظار داریم. اهداف آموزشی براساس رفتار قابل مشاهده اندازه‌پذیر تعریف می‌شود. در هدفهای غیررفتاری افعال و فاعل‌ها مورد پذیرش همگان نیست و مبهم است. مثل: انشاء خوب نوشتن، درک ریاضی و غیره.

اهداف آموزشی باید دارای سه ویژگی زیر باشند:

- ۱- عینی و قابل مشاهده باشد (برحسب عملکرد)
 - ۲- توصیفی از نشان دادن شرایط عملکرد باشد
 - ۳- ملاکهای سنجش هم مشخص شود.
- مثال:** یادگیرنده بتواند دو صفحه ترجمه کند و بتواند از فرهنگ لغت انگلیسی به فارسی استفاده کند، در صورتی ترجمه پذیرفته می‌شود که در ۱۰۰ لغت بیش از ۳ غلط نداشته باشد.
- برای تعیین هدف رفتاری نویسنده، هدف (معلم) باید موارد زیر را مدنظر قرار دهد:
- ۱- در هنگام عمل چه منابعی و وسایلی در اختیار او قرار دهیم.
 - ۲- از چه منابعی محروم است.
 - ۳- تحت چه شرایطی و موقعیتی عمل انجام شود.

راههای مشخص کردن ملاک در هدف آموزشی

- ۱- با استفاده از محدوده زمانی: مثلاً حل تمرین در زمان ۱۰ دقیقه‌ای
- ۲- با استفاده از توجه کردن به تعداد پاسخها: مثلاً ۱۰۰ لغت از ۱۲۰ لغت
- ۳- با توجه به درصد یا نسبت: مثلاً ۹۰ درصد سوالات را پاسخ دهد
- ۴- با توجه به ویژگی عملکرد: مثلاً با ترازوی دقیق تا میلی‌گرم را بسنجد.

روش نوشتن هدف رفتاری از دیدگاه گرانلاند: (هدف آموزشی)

ابتدا هدف‌ها بصورت کلی و غیررفتاری نوشته شود و سپس با فهرست کردن نمونه رفتاری نشان‌دهنده موفقیت در رسیدن به هدف، هدفهای دقیق را تعیین کرد. تأکید "میگردد" روی توضیح دادن و تعریف کردن است. تأکید "گرانلاند" روی نمونه‌ای از عمل فرد در رسیدن به هدف رفتاری است. گرانلاند معتقد است که نمی‌توان تمامی رفتارهای نمونه را فهرست کرد. پس سنجش درک مطلب در هدف کلی مهم است. گرانلاند ۸ تا ۱۲ هدف کلی را برای یک نیمسال یا ثلث کافی می‌داند و برای هر واحد آموزشی ۲ تا ۴ هدف کلی را مناسب می‌داند. در موضوعات و مهارتهای ساده و توصیف‌پذیر روش میگرد مناسب‌تر است. در موضوعات پیچیده و رفتار شناختی پیشرفته روش گرانلاند مفیدتر است. گانه: بریگز و دیگر ۵ مورد را برای نوشتن هدف رفتاری مهم می‌دانند:

- ۱- عملی که باید یادگیرنده انجام دهد. ۲- موضوع این عمل (مفعول)
 - ۳- موقعیتی که باید این عمل در آن انجام شود. ۴- ابزارهای مورد استفاده عمل و موانع ایجاد شده معلوم شود.
 - ۵- چه چیزی مورد انتظار است، یعنی معیار و قابلیت مورد انتظار.
- بیان هدف آموزشی بصورت هدف رفتاری اجرای آموزش معلم را آسان می‌کند. نوشتن هدف رفتاری، عمل ارزشیابی معلم را آسان می‌کند. هدف دقیق رفتاری به یادگیری هم کمک می‌کند زیرا انتظارات معلوم است. نوشتن هدف رفتاری کمک می‌کند که امکاناتی فراهم شود تا مسئولان پرورشی و معلمان اثربخشی کار خود را بسنجند.

هدفهای آموزش رفتاری به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- اهداف پایانی (نهایی) ۲- اهداف واسطه‌ای بین راه ۳- اهداف ورودی
 - ۱- اهداف پایانی: به آنچه که در پایان آموزش بایستی یادگیرنده به آن برسد توجه می‌کند. اهداف نهایی به خودی خود اهمیت دارند زیرا در دنیای واقعی بکار می‌روند.
 - ۲- اهداف واسطه‌ای: اشاره دارد به آنچه که در پایان یک بخش از یادگیرنده انتظار می‌رود و هنوز درس تمام نشده است. اهداف نهایی به خودی خود اهمیت دارند زیرا در دنیای واقعی بکار می‌روند اما اهداف واسطه‌ای به خودی خود اهمیت ندارد، ولی برای رسیدن به هدف نهایی لازم است.
 - ۳- اهداف ورودی: رفتارهایی را دربرمی‌گیرد که باید یادگیرنده برای وارد شدن در یک واحد یادگیری همراه داشته باشد، یعنی آمادگی برای شروع یک واحد درسی. بررسی اهداف ورودی کمک می‌کند که بفهمیم یادگیرنده پیش نیازها را می‌داند یا خیر؟
- بررسی اهداف واسطه‌ای و نهایی کمک می‌کند که بفهمیم که آیا یادگیرنده به هدفهای جاری معلم دست یافته و ارزشیابی بر آنها استوار است علاوه بر اهداف ورودی، واسطه‌ای و نهایی می‌توان اهداف آموزشی را به دو صورت فرآیندی و فرآورده‌ای (تولیدی) تقسیم نمود.
- اهداف فرآیندی: کوششها و فعالیتهایی است که یادگیرنده انجام می‌دهد تا اینکه بتواند به اهداف فرآورده‌ای دست یابد.
- اهداف فرآورده‌ای (تولیدی): نتایجی است که در مقابل کوششهای فرد برای رسیدن به اهداف بدست می‌آورند.
- نمونه هدف فرآورده‌ای: یادگیرنده در مدت ۱۰ دقیقه ۱۰۰ لغت بدون غلط تایپ کند.
- نمونه هدف فرآیندی: یادگیرنده در طول استفاده از ماشین تحریر دکمه‌ها را درست استفاده کند.

بهترین نوع هدف آموزشی نوشتن آن بصورت هدف تولیدی است. "گانه" و "کلیر" و "میگر" و "پوفام" از طرفداران نوشتن هدف رفتاری هستند، زیرا معتقدند به افزایش سطح یادگیری کمک می‌کند.

انتقادات وارده به هدف‌های رفتاری

- ۱- هدف‌های رفتاری، یادگیرنده را به یادگیری اطلاعات جزئی محدود می‌کند.
- ۲- نوشتن اهداف رفتاری کاری غیرانسانی است زیرا مشغولیت ذهنی معلم را برای تبدیل غایت پرورشی به هدف رفتاری، غایت را مخدوش می‌کند.
- ۳- نوشتن هدف رفتاری فعالیت یادگیری و آموزش را محدود می‌کند.
- ۴- خیلی از معلمان نمی‌توانند هدف‌های رفتاری را مورد استفاده قرار دهند.
- ۵- فقط اهداف جزئی و بی‌اهمیت را می‌توان در قالب رفتاری نوشت.
- ۶- برخی موضوعات درسی در قالب رفتاری در نمی‌آید.
- ۷- هدف‌های رفتاری شأن و منزلت را کم می‌کنند زیرا یادگیری را کوچک جلوه می‌دهند.
- ۸- نتایج آموزش مهم و در برخی موارد ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی است.
- ۹- رسیدن به خلاقیت و قضاوت منتقدانه را بازدارد می‌کند.

"کلازمایر" معتقد است که در برخی موضوعات درسی نوشتن اهداف دقیق رفتاری مناسب است و در برخی موضوعات درسی نوشتن اهداف رفتاری دقیق و جزئی مناسب نیست. "کلازمایر" می‌گوید نوشتن هدف رفتاری دقیق بستگی به نوع موضوع درسی دارد. پژوهش‌های زیادی (دوتی، انجل، دالیس، کلور، هامیلتون) نشان داده است که نوشتن هدف رفتاری دقیق به پیشرفت یادگیری دانش آموز کمک می‌کند. پژوهش‌های اسوالد، فلچر، دوچاستل و مریل مشخص کرد که نوشتن اهداف رفتاری دقیق کمک چندانی به یادگیری و آموزش نمی‌کند. هدف آموزش یادگیری است چون یادگیری متنوع است؛ پس اهداف آموزشی هم متنوعند.

هدف‌های آموزشی "بلوم"

"بلوم" هدف‌های آموزشی را به سه دسته شناختی، عاطفی، روانی - حرکتی تقسیم نمود.

حوزه شناختی: بیشتر درگیر فعالیت‌های ذهنی و فکری است؛ یعنی به بررسی دانش و معلومات و تواناییها می‌پردازد.

حوزه عاطفی: بیشتر درگیر فعالیت‌های انگیزشی و ارزش‌گذاری است یعنی نگرش، قدردانی، علاقه و... را بررسی می‌کند.

حوزه روانی - حرکتی: فعالیت‌های جسمی - روانی را بررسی می‌کند یعنی مهارت‌هایی که با مهارت‌های حرکتی و بدنی رابطه دارند مثلاً عدم توانایی دانش‌آموز در بیان حروف صدادار.

فعالیت‌های حوزه روانی - حرکتی هر سه سطح را دربرمی‌گیرد، یعنی هم شناخت، هم عاطفه و هم فعالیت جسمانی مهم است. هدف‌های شناختی بیشتر حفظ کردن، فهمیدن، استدلال کردن و قضاوت کردن را دربرمی‌گیرد.

حوزه شناختی دو بخش دارد:

۱- دانش

دانش: در برگیرنده امور جزئی و کلی و ساخت‌هایی است که در اصل نگهداری ذهنی مطالب آموخته شده قبلی است مثل تعریف روان‌شناسی یا بیان مرکز استان آذربایجان و... در مهارت‌های ذهنی تأکید روی فرآیند سازماندهی مجدد مطالب آموخته شده قبلی است که ۵ مرحله را در بر می‌گیرد که عبارتند از:

- ۱- فهمیدن
- ۲- بکار بستن
- ۳- تحلیل
- ۴- ترکیب
- ۵- ارزشیابی

فهمیدن: در این گام درک و فهم مطالب مهم است؛ یعنی یادگیرنده بفهمد که هدف اصلی مطالب ارائه شده کدام است، و در اینجا مطالب آموخته شده را به شکل گفتاری دیگر بیان کند مثل ترجمه کردن، نقشه خواندن یا بیان شعر به صورت نثر به زبان خود.

بکار بستن: یعنی فرد بتواند اطلاعات آموخته شده را در موقعیت جدید و نو بکار گیرد و از آنها استفاده کند؛ یعنی مطالب کلی و انتزاعی را در مواقع عینی بکار گیرد. مثل حل مسئله ریاضی و بکارگیری آن در زندگی روزمره یا استفاده از قوانین یادگیری در تدریس کلاسی و یا استفاده از قوانین راهنمایی و رانندگی در هنگام راندن موتور.

تجزیه و تحلیل: جزء به جزء کردن مطالب آموخته شده که در اینصورت عناصر اصلی آن تعیین می شود مثل: مشخص کردن تفاوتها، تشابهات و مشخص کردن روابط علت و معلولی و... .

ترکیب: همان خلاقیت و آفرینندگی و ابداع است؛ یعنی اجزاء مطالب آموخته شده را در کنار هم بگذاریم و یک کل معنی دار دیگری بسازیم مثل نوشتن مقاله، داستان، نقاشی، طراحی روش تدریس جدید و... .

ارزشیابی: داوری کردن و قضاوت کردن در مورد یکسری موضوعات خاص که ممکن است براساس ملاک درونی یا بیرونی باشد مثل منطقی بودن مطلب ارائه شده، مطالب همسانی داشته باشند و یا مقایسه یک اثر با اثرهای مشابه.

پیش تر اعتقاد بر این بود که آموزش باید خطی و سلسله مراتبی باشد یعنی از دانش به ارزیابی، ولی هم اکنون آموزش را بصورت شبکه دانش قبول دارند.

حوزه عاطفی

کراتول - بلوم و ماسیا هدفهای آموزشی را به ۵ طبقه عاطفی تقسیم نمودند:

۱- دریافت کردن ۲- پاسخ دادن ۳- ارزش گذاری

۴- سازمان دهی ۵- شخصیت پذیرفتن مجموعه ای از ارزشها

طبقات حوزه عاطفی هدفهای آموزشی براساس فرآیند درونی سازی ساخته شده است؛ یعنی یک نگرش چگونه جزء سبک زندگی فرد می شود.

۱- دریافت کردن (توجه کردن): به محرکهای محیطی حساس و از وجود آنها آگاه باشد و میل به پذیرش هم داشته باشد مثل: گوش کردن انتخابی یک موسیقی.

۲- پاسخ دادن: پاسخ فعالانه دادن به دیده ها و شنیده ها و دریافتی ها. مثل: لذت بردن از یک فعالیت.

۳- ارزش گذاری: در مورد یک واقعه باید ابراز عقیده و نگرش خود را ابراز کنیم مثل: قبول یک مسئله و ایمان داشتن به آن و با مباحثه از آن عقیده دفاع کردن.

۴- سازمان دهی: طبقه بندی کردن ارزشهای درونی شده، یعنی ارتباط بین ارزشها مشخص می شود. مثل: برنامه ریزی استراحت متناسب با فعالیت. در ارزش گذاری فقط ثبات ارزش مهم است. در سازمان هم ثبات و هم ارتباطات انتزاعی اهمیت دارد.

۵- شخصیت پذیرفتن مجموعه ای از ارزشها: نظام ارزشی بصورت یک سبک زندگی در آید و دیدگاه ارزشی فلسفی داشته باشیم مثل: داشتن فلسفه پایدار زندگی - داوری در مورد مشکلات برحسب موقعیت. در گام اول حوزه عاطفی یعنی توجه کردن سه حالت ۱- آگاهی ۲- میل به پذیرش ۳- توجه انتخابی قرار می گیرند. در گام دوم حوزه عاطفی یعنی پاسخ دادن سه حالت ۱- رضایت به پاسخدهی ۲- میل به پاسخدهی ۳- خرسندی در پاسخدهی قرار می گیرند.

در گام سوم حوزه عاطفی یعنی ارزش گذاری سه حالت ۱- پذیرش یک ارزش ۲- ترجیح یک ارزش ۳- تعهد، قرار می گیرند. در گام چهارم حوزه عاطفی یعنی سازمان دهی دو حالت ۱- درک مفهوم یک ارزش ۲- سازماندهی یک نظام ارزشی جای می گیرد.

در گام پنجم حوزه عاطفی یعنی شخصیت پذیرفتن مجموعه ای از ارزشها دو حالت ۱- آمایه (آمادگی کلی) و ۲- شخصیت پذیرفتن قرار می گیرند.

* کیبلر، بارکر و مایلز اهداف آموزشی روانی - حرکتی را طبقه بندی نموده اند.

طبقه‌بندی اهداف آموزشی روانی حرکتی:

- ۱- حرکات کلی
 - ۲- حرکات هماهنگ ظریف
 - ۳- رفتارهای ارتباطی غیرکلامی
 - ۴- ارتباط کلامی
 - ۱- حرکات کلی بدن: هماهنگی بین چشم و گوش و در اصل هماهنگی بین حرکات یک عضو با دیگر اعضاء مهم است که معمولاً تأکید روی نیرومندی، سرعت و دقت حرکات کلی است. مثل: دویدن ۱۰۰ متر در ۲۰ ثانیه.
 - ۲- حرکات هماهنگ ظریف: حرکات چشم و گوش با سایر اعضاء بدن هماهنگی ظریف پیدا می‌کنند. مثل: تایپ کردن، سوزن نخ کردن، نوشتن، کاردستی درست کردن، نواختن موسیقی.
 - ۳- رفتارهای ارتباطی غیرکلامی: انتقال پیام بدون استفاده از کلام را گویند که در سخنرانی و نمایش و... بکار می‌رود.
 - ۴- ارتباط کلامی: خوب صحبت کند، ارتباط برقرار کند و گفتار دیگران را اصلاح کند.
- حوزه روانی حرکتی براساس مراحل رشد طبقه‌بندی شده‌اند.

طبقه‌بندی سیمپسون از حوزه روانی - حرکتی:

- ۱- ادراک
 - ۲- آمايه
 - ۳- پاسخ هدایت شده
 - ۴- مکانیسم
 - ۵- پاسخ پیچیده آشکار
 - ۶- انطباق
 - ۷- ابتکار
 - ۱- ادراک: فرد از اعضاء حسی خود برای دریافت نشانه‌های حسی برای هدایت فعالیت‌های حرکتی استفاده کند مثل گوش کردن به صدای ملودی یک پیانو قبل از نواختن نت موسیقی
 - ۲- آمايه، (آهاده‌گی): آماده بودن برای یک عمل خاص را گویند که ممکن است ذهنی، جسمی یا هیجانی باشد مثل دانستن مراحل تعویض پلاتین یک ماشین.
 - ۳- پاسخ هدایت شده: با هدایت یک الگو را عمل کنیم که تقلید یا یادگیری، کوشش و خطا را دربرمی‌گیرد.
 - ۴- مکانیسم: یعنی فرد بتواند رفتار عادی خود را بصورت خودکار و با میزان اعتماد بالایی انجام دهد مثل زدن توپ به منطقه ۸ والیبال در ۹۰٪ موارد.
 - ۵- پاسخ پیچیده آشکار: یک تکلیفی را با مهارت بالایی انجام دهد مثل تایپ کردن هر نوع نامه با سرعت بالا و بدون غلط.
 - ۶- انطباق: فرد براساس آموخته‌های قبلی تکالیف جدیدی که در ارتباط با آموخته قبلی است را انجام دهد.
 - ۷- ابتکار: در موقعیت‌های جدید از روش نو برای حل مسائل جدید استفاده کند مثل ساختن یک قطعه موسیقی.
- اهداف آموزشی "گانیه"
- "گانیه" اهداف آموزشی را براساس انواع یادگیری بررسی می‌کند.

گانیه شکلهای اساسی یادگیری را ۴ نوع می‌داند:

- ۱- یادگیری علامتی
- ۲- یادگیری محرک و پاسخ
- ۳- یادگیری زنجیره‌ای
- ۴- یادگیری تداعی کلامی

گانیه بازده‌های یادگیری را ۵ نوع می‌داند:

- ۱- مهارتهای ذهنی
- ۲- راهبردهای شناختی
- ۳- اطلاعات کلامی
- ۴- مهارتهای حرکتی
- ۵- نگرشها

گانیه مهارتهای ذهنی از بازده یادگیری را ۴ نوع می‌داند:

- ۱- یادگیری تمیز دادن
 - ۲- یادگیری مفهوم
 - ۳- یادگیری قاعده
 - ۴- یادگیری حل مسئله
- یادگیری علامتی (شرطی‌سازی کلاسیک یا پاولف): آموختن شرطی کلاسیک؛ علامت را با پاسخ تداعی می‌کند. مثل: دیدن سؤال امتحانی و پاسخ اضطراب دانش‌آموز یا خوشحالی کودک پس از شنیدن صدای مادر.

یادگیری محرک - پاسخ: در مقابل محرکهای خاص پاسخهای دقیق عضلانی داده می‌شود، مثل: دیدن چراغ قرمز و فشار پدال ترمز.

زنجیره‌سازی: تعدادی از یادگیری‌های محرک و پاسخ را با هم پیوند می‌زند و یک رفتار پیچیده مرکب را می‌سازد. مثل: مسواک زدن و بستن بند کفش.

تدلوع کلاهی: نوعی از زنجیره‌سازی است که در اینجا زنجیره S-R واحدهای کلامی است، مثل دیدن توپ و نامیدن آن.

توپ ~ S → B
توپ مشاهده شیء
مهارتهای ذهنی: حاصل یادگیری علامتی و محرک و پاسخ است. گانیه بازدهای یادگیری را توانایی‌های آموخته شده می‌نامد. مهارتهای ذهنی، بازده‌هایی هستند که چگونگی برخورد فرد با محیط را مشخص می‌کند که چگونه بتوانند از نمادها استفاده کنند و بر اساس این نمادها با محیط کنش متقابل داشته باشد.

راهبردهای شناختی: مهارتهایی هستند که بصورت درونی سازمان یافته‌اند و عمل اصلی آنها این است که مفاهیم و قواعد را نظم دهند و بر آن نظارت کنند، در اصل همان راهبردهای پردازش اطلاعات است، مثل: مرور کردن، بسط دادن، بازیابی کردن، توجه کردن و... .

اطلاعات کلاهی: گانیه این اطلاعات را معادل دانش در طبقه‌بندی بلوم می‌داند؛ یعنی گروهی از یادگیری‌های آموزشی که بصورت جمله یا گزاره مطرح می‌شوند. اطلاعات کلامی هم بصورت کلامی هم تصویری و نموداری و مشاهده‌ای و... کسب می‌شود. در تداعی کلامی یادگیرنده فقط کلمات را تکرار می‌کند. در یادگیری اطلاعات کلامی فرد می‌تواند کلمات را در قالب گزاره یعنی مبتدا و خبر بیان کند.

مهارتهای حرکتی: توالی حرکات ماهیچه‌ای مثل نوشتن، راه رفتن، دویدن و رانندگی کردن. مهارتهای حرکتی گانیه مساوی حوزه روانی - حرکتی بلوم است.

نگرشها: یادگیرنده تمایلاتی دارد که بر اساس آن عملکرد را شکل می‌دهد و بر اساس آن انتخاب می‌کند، مثل: دوست داشتن یادگیری. طبقه نگرشهای گانیه مساوی حوزه عاطفی بلوم است.

یادگیری تجزیدادن: فرد می‌تواند نمادها یا محرکها را از هم متمایز کند، مثل: تمیز دادن دایره از بیضی یعنی فرد می‌تواند تفاوت بین رویدادها را درک کند.

یادگیری مفهوم: فرد بر اساس ویژگیهای انتزاعی محرکها پاسخ می‌دهد، مثل: شکل، تعداد، رنگ، فرد، زوج، درخت و... در یادگیری مفهوم تأکید روی ویژگیهای مشترک محرکهای متعدد است.

یادگیری قاعده یا قانون (اصل): اگر بین چند مفهوم رابطه‌ای معنی دار ایجاد کنیم، یک اصل بدست می‌آید، مثل: فلزات در اثر حرارت منبسط می‌شوند.

یادگیری حل مسئله (قاعده سطح بالاتر): اگر بین چند قاعده یا اصل رابطه ایجاد کنیم یک قاعده سطح بالاتر بدست می‌آید، برای مثال، بستن بند کفش توسط خود کودک یک حل مسئله است. در جدیدترین طبقه‌بندی تجدیدنظر شده بلوم توسط کراتول و همکاران آفرینندگی بالاترین سطح شناختی است.

روشهای تهیه اهداف آموزشی

اولین گام کار معلمی تهیه و تدوین هدفهای آموزشی است و گام دوم شناسایی ویژگیهای فرد یادگیرنده است. مرحله آغاز آموزش را رفتار ورودی می‌نامند. مرحله پایان آموزش را رفتار نهایی می‌نامند.

رفتار ورودی: یعنی آمادگی فرد برای یادگیری اهداف واسطه‌ای و نهایی. رفتار ورودی به کلیه تجارب مثبت و منفی حاصل از آموخته‌های قبلی اشاره دارد که روی یادگیری مطلب تازه تأثیر دارد. در دروسی که توالی منطقی دارند مثل ریاضی و علوم بایستی رفتارهای ورودی یادگیرنده بررسی شود. رفتار ورودی می‌تواند حرکتی - روانی و شناختی و عاطفی باشد. بیان رفتار ورودی باید برحسب اعمال و رفتارهای قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری نوشته شود.

تحلیل تکلیف: یکی از روشهای تدوین رفتارهای ورودی است. در تحلیل تکلیف، سلسله مراتب یادگیری را مشخص می‌شود. در سلسله مراتب یادگیری مشخص می‌شود که چه مطالبی برای یادگیری مطلب بالاتر پیش نیاز